

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## خالق صورت‌های مینیاتوری

احمد راضی نقاش، مینیاتوربست و تذهیب‌کار برجسته معاصر به سال ۱۲۹۸ شمسی در اصفهان زاده شد. راضی در سن ۱۲ سالگی به شوق آموختن نقاشی به خدمت و شاگردی حاج مصورالملکی درآمد و مدت ۸ سال به کارآموزی و هنرجویی مشغول شد.

پس از طی مرحله آموزش، کارگاهی در اصفهان دائر کردو به خلق آثاری زیبا پرداخت که اکثر این کارها به کشور آلمان صادر شده است. یکی از آثار قابل توجه او تابلو مینیاتوری

است که یک‌صد و چهل و پنج صورت، در آن تصویر شده بود. این تابلو که هم‌اکنون در موزه سوئیس نگهداری می‌شود قبل از آنکه به‌وسیله یک تاجر ایرانی خریداری و به سوئیس ارسال شود، مورد توجه رئیس وقت هنرهای زیبای کشور قرار گرفت و به‌همین جهت، راضی به تهران فراخوانده شد و کوشش‌های هنری خود را در هنرهای زیبای کشور متمرکز ساخت.

وی ابتدا به تهیه طرح‌های اسلیمی و ختانی برای کارگاه‌های کاشی‌سازی و منبت‌کاری می‌پرداخت ولی بعد از مدتی که کارگاه میناسازی هنرهای زیبای کشور تأسیس شد، تصدی کارگاه م‌زور را عهده‌دار شد. سال ۱۹۵۹ آثار میناسازی این کارگاه در نمایشگاه جهانی بروکسل عرضه شد و به اخذ مدال نقره و دیپلم هنری افتخاری نائل آمد.

از احمد راضی بیش از ۱۴۵ تابلوی نقاشی به نقش صورت به سبک مینیاتور باقی است که اکنون در موزه‌های سوئیس نگهداری می‌شوند. همچنین تعدادی از آثار نقره‌کاری و قلم‌زنی وی در موزه هنرهای ملی موجود است. استاد احمد راضی در بیستم مردادماه ۱۳۷۲ ش در سن ۷۴سالگی چشم از جهان فروبست.

**خودزنی / محیط‌زیست**

## چرا دل ماهی‌ها را خوش می‌کنیم؟

پایگاه خبری دیده‌بان محیط‌زیست و حیات وحش ایران نوشت: «قطع‌و‌وصل شدن‌های مکرر جریان آب‌در زاینده‌رود، ورود آ‌زیبان به رودخانه‌در زمان جاری بودن آب و محبوس شدن آ‌زیبان در آبگیرهای کوچک به دلیل قطع جریان آب رودخانه‌را در پی دارد و در این میان هزاران ماهی، دوزبست‌و سایر گونه‌های آ‌زیی از بین می‌روند. در حال حاضر آب رودخانه زاینده‌رود مجدداً بسته شده است. بستر رودخانه‌در برخی قسمت‌ها به‌طور کامل خشک شده‌و در برخی قسمت‌ها هنوز اندکی آب وجود داردو در این میان هزاران آ‌زیی تلف شده‌و هزاران ماهی نیز در حال مرگ بوده‌و نفس‌های آخر ا‌می کشند. مدیرکل حفاظت از محیط‌زیست استان اصفهان در این رابطه به ایسنا گفت: به دلیل تلفات ماهی‌ها از وزارت نیرو مطالبه خسارت خواهیم کرد.

حمید ظه‌ری اظهار داشت: از تلفات شدید ماهی‌ها و آ‌زیبان و دوزیستان اطلاع داریم و سعی کرده‌ایم توسط یگان‌هایی از سازمان محیط‌زیست و با کمک تشکل‌های مردم‌نهاد این ماهی‌ها را به‌بالادست رودخانه‌که آب دارد منتقل کنیم. ظه‌ری با بیان اینکه قطعه‌به‌دلیل این تلفات از وزارت نیرو مطالبه خسارت می‌کنیم، تأکید کرد: حضور این میزان ماهی در رودخانه‌به این دلیل است که رودخانه‌تا تصفیه‌خانه پایا شیخ علی زنده است و هنگامی که آب به سمت پایین دست رها می‌شود خود ماهی‌ها هم‌باآن به‌سمت پایین می‌آیند. ظه‌ری گفت: واقعا نمی‌دانم چه‌زمانی این قطع‌و‌وصل‌های مکرر آب تمام می‌شود! مدیرکل حفاظت از محیط‌زیست استان اصفهان گفت: این در حالی است که براساس آخرین مصوبه هیئت دولت، حق آبه‌تالاب‌ها و پایاب رودخانه‌ها جزو اولویت‌ها است و جالب است که با این قطع‌و‌وصل‌ها این مصوبه هم نادیده گرفته شده است.

مدیرکل حفاظت از محیط‌زیست استان اصفهان خاطر‌نشان کرد: وزارت نیرو و آب منطقه‌ای باید وارد عمل شوند و اولاً با تصمیم‌های چ‌دی از اینکه رودخانه‌فدای سایر بهره‌بردار‌ی‌ها شود، جلوگیری کنند و در این فرصت سه‌ماهه که تا بازگشایی آب وجود دارد سامان‌دهی برداشت‌ها را آغاز کنند.

در همین راستاروز شنبه محیط‌زیست استان اصفهان با همکاری نیروهای داوطلب مردمی و اعضای تشکل‌های زیست‌محیطی در بستر رودخانه زاینده‌رود به جمع‌آوری و نجات ماهی‌های گرفتار در مانداب‌های رودخانه پرداختند و ماهی‌های باقی‌مانده در آبگیرهای زاینده‌رود، پس از جمع‌آوری در بالادست رودخانه‌رها شدند.

این اقدام یکشنبه هجدهم مردادماه نیز انجام گرفت ودو ایستگاه مستقر در ضلع جنوبی پل خواجو وپل ماربان آماده‌تحويل گرفتن ماهی‌های نجات‌یافته‌از مردم طبیعت‌دوست اصفهان است.»

هنوز مدت زیادی از خوشحالی طبیعت‌دوستان ایرانی از جاری شدن آب در بستر خشک زاینده‌رود نگذشته است. باز خدا به مردم اصفهان و اداره محیط‌زیست این شهر خیر بدهد که دارند ماهی‌های بیچاره‌رو به موت رانجات می‌دهند. اما سوال این است که اگر مطمئن نیستیم می‌توانیم آب جاری در بستر یک رودخانه را همچنان جاری نگه داریم، خب چرا برای چندصباحی دل مردم و ماهی‌ها را خوش می‌کنیم. حالا دل مردم به‌درک!!! چرا دل ماهی‌ها را بیخود و بی‌جهت خوش می‌کنیم؟



**فارسی را پاس بداریم**

### امداد و انسداد و الباقی ماجرا

همین که از تونل رسالت بیرون زدیم چشم‌به‌این نوشته افتاد: «امداد و انسداد تونل». این عبارت را روی بدنه خودروی امداد نوشته بودند. در یک مسیر چند کیلومتری در بزرگراه رسالت با این خودرو هم‌مسیر بودیم. چشم از نوشته‌برنی‌داشتم و مدام با خود تکرار می‌کردم: امداد و انسداد تونل، امداد و انسداد تونل، امداد و انسداد تونل…

این عبارت را با خود زمزمه می‌کردم و می‌پرسیدم: یعنی چه؟ یعنی این خودرو، هم به‌تونل امداد می‌رساند و هم سبب انسداد آن می‌شود؟ باور یفرمایید از دیدن این عبارت چنان انقلابی در وجودم رخ داده بود که هم‌راهمان بیم از دست رفتنم را داشتند چرا‌که می‌دیدند ذکر امداد و انسداد تونل از لیم نمی‌افتند. انتظار ندارم کسانی که در امداد رسانی به اتومبیل‌های در تونل مانده دستی دارند، از زبان فارسی هم سر در بیاورند. اما واقعا گذاشتن یک «به» ناقابل به‌جای حرف ربط «و» تا این حد مشکل است و واقعا به عقلمان نرسیده بنویسند «امداد رسانی به انسداد تونل». و اصلا چرا حتما باید کلمه انسداد را ذکر کرد؟ «امداد تونل» کافی نیست؟ همه راننده‌ها می‌دانند که گاهی در

| اوقات شرعی: اذان صبح: ۵:۴۰ | اذان ظهر : ۱۲:۳۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۰ | اذان مغرب: ۲۰:۱۵ |

**نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر**

### درباره بمبی که وجود نداشت

**مجموعه «جهان تازه دم» دو کتاب دیگر را روانه بازار نشر کرد**

مجموعه «جهان تازه دم» از مجموعه‌های جدید نشر چشمه است که به‌طور مشترک آن را با نشر چرخ منتشر می‌کند. عناوین دوم و سوم این مجموعه به‌تازگی به چاپ رسیده‌اند. عنوان دوم این مجموعه، رمان طنز «بی سوادی که حساب و کتاب سرش می‌شد» نوشته یوناس یوناسون است که حسین تهرانی آن را ترجمه کرده.

این رمان ۲۴ بخش دارد که عناوین برخی از آنها عبارت است از: «درباره دخترکی داخل یک کلیه و مردی که با پرندش دخترک را از آنجایرون کشید»، «درباره ماجرابی که آن سوی دنیا اتفاق افتاد، وقتی همه چیز تقریبا برعکس شد»، «درباره یک مجازات سخت، سرزمینی که دچار سوءتفاهم شده بود و سه دختر چینی همه‌فن حریف»، «درباره نامه بدون امضا، صلح روی زمین و عقرب گرسنه»، «درباره هولگر و هولگر و قلب شکسته»، «درباره بمبی که وجود نداشت و مهندسی که طول نکشید که به همان سرنوشت مبتلا شد»، «درباره یک بازی که مساوی تمام شد، و رئیس شرکتی که اجازه نیافت زندگی کند»، «درباره یک ملاقات، یک اشتباه، و یک ظهور غیرمنتظره»، «درباره خواستگاری روی بمب اتمی و اختلاف سلیقه در قیمت‌گذاری»، «درباره دیدار مجدد و مردی که اسمش براننده شخصیتش بود»، «درباره میهمان ناخوانده و مرگ ناگهانی» و…

در قسمتی از این رمان می‌خوانیم: «و این گونه‌شد که پس از تولید چهارمین و پنجمین بمب، جفت بعدی هم تولید شد، یعنی بمب‌های ششم و هفتم! بنابراین سهوا یک بمب اتمی بیشتر از آنچه که در پروتکل ثبت شده بود، تولید شد. بمبی وجود داشت که اصلا وجود نداشت، وقتی خانم نوظافتچی از موضوع مطلع شد، رئیس اش را در جریان گذاشت و او هم طبق انتظار نگران شد. بمب‌هایی که قرار نبود وجود داشته باشند، نباید وجود می‌داشتند وگرنه جز در دسر فایده دیگری نداشتند. ولی مهندس که نمی‌توانست دور از چشم رئیس جمهور و دولت، این بمب را از بین ببرد.

**گردش روزگار برعکس است**



**خورشید مرده بود / خورشید مرده بود، و فردا / در ذهن کودکان / مفهوم گنگ گمشده‌ای داشت… (فروغ فرخزاد)**

**با کاروان حله / اخبار هنر**

## بحث و جدل بر سر رستاخیز ادامه دارد



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: فیلم سینمایی «رستاخیز» حتما اکران خواهد شد. جنتی در جمع خبرنگاران در حاشیه دومین اجلاس سراسری مدیران کل این وزارتخانه با بیان اینکه این فیلم توقیف نشده افزود: مادر این باره ملاحظاتی داشتیم و یکی از ملاحظات این بوده که نظرات مراجع عظام تقلید باید مورد توجه قرار گیرد. وی با بیان اینکه با مراجع تقلید در این باره صحبت کرده‌ایم گفت: آقای

درویش این فیلم را در قم و در بیوت برخی مراجع تقلید برای افرادی که مورد اعتماد آنها هستند نمایش داده است و همچنین بخش عمده‌ای از اصلاحاتی که مورد نظر آنها بوده به عمل آمده است. جنتی افزود: برخی از مراجع نظرات فقهی خاصی دارند و نظرات فقهی قابل تغییر نیست که با مذاکره تغییر کند. تلاش داریم این فیلم در اولین فرصت اکران شود. همچنین تلاش داریم برخی مراجع را که نظراتی درباره این فیلم دارند قانع کنیم که اگر نظر فقهی دارند، آن نظر فقهی برای خودشان یا برای مقلدان آنها مورد احترام است و اجازه دهند این فیلم به نحو مطلوب برای علاقه‌مندان اکران شود. وزیر ارشاد افزود: فیلم رستاخیز فیلمی است که بنده بیشترین کمک را در دوران تولید وپس از آماده شدن به آن کرده‌ام. جنتی گفت: در این باره با دستگاه‌های مختلف صحبت کرده‌ام که لوح‌های فشرده (دی سی) این فیلم را پیش خرید کنند تا به تهیه‌کننده و کارگردان این فیلم کمک شود. وی افزود: رستاخیز فیلم بسیار ارزشمندی در باره واقعه عاشورا است و امیدواریم در اولین فرصت اکران شود.

به صورت توبنی کمتر آفریده خدا
تورا کشیده و دست از قلم کشیده خدا
چو کرده نقش تو بر صفحه وجود، رقم
صد آفرین ز زبان قلم شنیده خدا…
(سلیم تهرانی، فرن یازدهم، غزالیات)

## سوت پایان



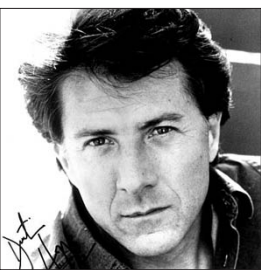
**بی سوادی که حساب و کتاب سرش می‌شد**

**بی سوادی که حساب و کتاب سرش می‌شد**
نویسنده: یوناس یوناسون
مترجم: حسین تهرانی
نشر چشمه
شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه
قیمت: ۲۲ هزار تومان
صفحه ۴۲۸

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم: «ساعت تقریبا شش بعد از ظهر بود که سامان پیدایش شد این طرف‌ها. برایش جای ریختم و نشسته بودیم رو به روی هم روی این میل‌های استیل دور پذیرایی.

حرف نمی‌زد و چند دقیقه بود که لبش را چسباند به لیوان جای و از بس داغ بود نمی‌توانست بخورد. نگاهش را دوخته بود به فرش و انگار از جایی منتظر دستور ورود جای به دهانش بود. من هم سیگار روشن کرده بودم و منتظر بودم بنالد در دش چیست…»

## بازیگری که نامش در گینس ثبت شده است



زندگی داستین هافمن شامل برخی نکات ناگفته می‌شود که برای طرفدارانش می‌تواند جذابیت داشته‌باشد. داستن این موضوع که داستین هافمن دوبار در سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۹، به خاطر بازی در فیلم‌های «کرامر علیه کرامر» و «مرد بارانی» برنده جایزه اسکار شده‌است، چندان عجیب نیست. درباره زندگی او نکات جالب‌تری هم وجود دارد که بعضا ارتباطی با حرفه‌اش ندارند. برای مثال یکی از نکات

جالب درباره داستین هافمن این است که نام او در کتاب رکوردهای گینس به‌عنوان بازیگری که در یک فیلم، طولانی‌ترین دوره از زندگی یک شخصیت را بازی کرده، به‌ثبت رسیده است. او در فیلم «بزرگ‌مرد کوچک» به کارگردانی آرتور پین، در نقش شخصیتی به‌نام جک کراب ظاهر می‌شود. هافمن در این فیلم یک‌بازه زمانی از ۱۷ سالگی تا ۱۲۱ سالگی این شخصیت را بازی می‌کند. براساس گزارش‌های منتشرشده، در زمان فیلم‌برداری «در جست‌وجوی نا کجاآباد» در سال ۲۰۰۴، هافمن قسمتی از نوزک یک انگشت خود را از دست می‌دهد و مجبور می‌شود که یک روز کامل با استفاده از مسکنی قوی به کار خود ادامه دهد.

هافمن از آن دسته آدم‌هایی است که دوست دارد در خانواده‌ای پرجمعیت زندگی کند. هم‌اکنون شش نفر این بازیگر سرشناس را پدر صدامی‌کنند. او از ازدواج نخست خود با آن بیرن یک فرزند دارد که البته هافمن سرپرستی فرزند نخست آن بیرن را هم قبول کرده، و از ازدواج دوم خود با لیزا گاتسکن صاحب چهار فرزند دیگر شده است.

همسایگان محترم- از جمله بنده-خواسته بود «هزینه آب‌بها» را تا ۲۰ مرداد پرداخت کنیم. از ذکر امداد و انسداد تونل فارغ نشده بودم که مشغول «هزینه آب‌بها» شدم. می‌خواستم همان ساعت به منزل مدیر ساختمان مراجعه کنم و به او توضیح و اباحت‌بدهم که خانم محترم! «هزیننه» و «بها» یک معنا دارند و باید می‌نوشتید: «هزیننه‌یا» یا «آب‌بها». اما زمام نفس سرکش را در دست گرفتم و از خر شیطان یاده شدم چون می‌دانستم دل حق (امداد و انسداد تونل» را هم بر سر آن بنده خدا خالی خواهیم کرد.

حالا چند روزی است که دور از جانتان سر درد شدیدی دارم و نه استامینوفن علاج می‌کند و نه ژلوفن و نه جای پرننگ.

بعد از این همه فکر کردن تازه به این نتیجه رسیده‌ام که اگر همین‌طور پیش برویم باید به زودی فاتحه زبان فارسی را بخوانم و بروم زبان دیگری یاد بگیرم تا شاید ذهن و روح‌به اندک آرامشی برسند. شاید…